

نقش دکترین صلاح‌دید دولت‌ها در معاهدات بین‌المللی

نویسندگان:

نادر اکایی

فاطمه کاتایی

سرور کاتایی

پیمان محمدی



نقش دکتربین صلاحید دولت ها در معاهدات بین الملل / نویسندگان کاوه
کاکایی... [و دیگران].

تهران: انتشارات پل، ۱۳۹۹.

۴۶۱ ص.

978-964-233-296-0

فیبا.

نویسندگان: کاوه کاکایی، فاطمه کاکایی، سرور کاکایی، پیمان محمدی.

مسؤولیت دولت (حقوق بین الملل)

Government liability (International law)

صلاحید اداری (Administrative discretion)

تعهدات بین المللی (International obligations)

کاکایی، کاوه، ۱۳۶۲-

KZ40.80

۰۸۸/۳۴۲

۷۲۷۹۰۵

عنوان و نام پدیدآور:

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شابک:

وضعیت فهرست نویسی:

یادداشت:

موضوع

• نوع:

موضوع:

نوع:

شناس افزوده:

رده بندی - کده:

رده بندی دیویی:

شماره کتابشناسی:

نقش دکتربین صلاحید دولت ها در معاهدات بین الملل

نویسندگان: کاوه کاکایی - فاطمه کاکایی

سرور کاکایی - پیمان محمدی

ویراستار: مژده مراحت - یتر کاکایی

صفحه آرا: زهرا لطفی

شابک: ۰-۲۹۶-۲۳۳-۹۶۴-۷۰۰

سال چاپ: اول ۱۳۹۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۲,۰۰۰ تومان

instagram: poul_publication



«کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای مؤلفین محفوظ می باشد.»

آدرس: انقلاب - خیابان لبافی نژاد - بین خیابان دانشگاه و خیابان فخر رازی

شماره تماس: ۶۶۴۶۹۶۰۸

پلاک ۱۷۴ - طبقه دوم - واحد ۴

پیشگفتار

حاکمیت، منشأ حقوق بین‌الملل دولت محور است. دولت‌ها در برخی موارد معین و به نفع نظم بین‌المللی، برخی محدودیت‌ها را نسبت به حاکمیت خویش می‌پذیرند و با تحدید حاکمیت خود به نفع منافع مشترک، نظم حقوقی بین‌المللی را پایه‌ریزی می‌کنند. بنابراین، نظم مزبور عملاً از محدود شدن ارادی حاکمیت دولت‌ها پدیدار می‌گردد. در جهان بین‌المللی کنونی واقعیت این است که، اعمال حاکمیت امری مطلق نیست، بلکه - تحت دولت‌ها، توسط موازین و قواعد حقوق بین‌الملل محدود می‌گردد - محدودیتی که گاه بر مبنای واقعیت‌ها و ضروریات زیست بین‌المللی ایجاد می‌شود و گاه بر مبنای تراضی خود دولت‌ها.^۱ در این خصوص، من باید توجه داشت که اگرچه در نظام حقوق بین‌الملل، دولت‌ها متعهد به اجرای تعهدات خویش می‌باشند، لکن در حوزه تعهدات بین‌المللی، به طور کلی، تعهدات حاکمیتی دولت‌ها در مصاف با مقتضیات جهانی در جدال می‌باشند و در این بین تحلیل پدیده‌ها، وقایع و تحولات را نمی‌توان بدون در نظر آوردن اهمیت خاستگاه غیرحقوقی موازین بین‌المللی، به درستی انجام داد. در این حوزه، همچنان منافع ملی دولت‌ها، نقش عمده‌ای را ایفا می‌نماید. به عبارتی فراتر از مباحث مربوط به سیر تاریخی حاکمیت دولت‌ها و ملل محدود شدن آنها، در عرصه حقوق بین‌الملل یک سنت ثابت و اصولانی

^۱ - حسن سواری، حیدر پیری، «منافع ملی حیاتی دولت‌ها در پرتو معاهدات خنج سلاح و کنترل تسلیحات»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۱، ص

وجود دارد که دولتها منافع ملی شان^۱ را حتی مواقعی که وارد توافقات بین‌المللی می‌گردند و نیز هنگامی که بوسیله آن توافقات محدود می‌گردند، همچنان اعمال می‌نمایند.^۲ بدین معنا که هرچند حضور در جامعه‌ی بین‌المللی مستلزم این است که دولتها با گذار از آزادی عمل کامل و مطلق، از بخشی از این آزادی عمل به نفع حداقل منافع مشترک خویش صرف‌نظر نمایند، لکن به طور سستی دولتها حق بر عدم انطباق و رعایت تعهدات بین‌المللی در شرایط خاص، به خصوص اگر انطباق با تعهدات منجر به صدمه زدن به حاکمیت، امنیت، سیاست عمومی، و یا به طور کلی منافع حیاتی آنها گردد را همچنان برای خود حفظ نموده‌اند. در حقوق بین‌الملل موضوعاتی چون ضرورت عمومی، منافع اساسی، نظم عمومی، امنیت ملی، اخلاق عمومی مربوط به حوزه‌هایی هستند که اغلب برای حاکمیت دولتها مورد استناد است و به طور سستی دولتها خود بر آن نظارت دارند.^۳

^۱ - منافع ملی اشاره به هدف‌های اولیه‌ای دارد که مسکن و دولت در صدد حفظ و تحصیل آن هستند. منافع ملی در دو سطح داخلی و خارجی مطرح می‌گردد که به طور کلی مصادیق منافع ملی دولتها در بعد داخلی عبارتند از: امنیت از حلال و سلامت عمومی، منافع اقتصادی و حمایت از امنیت ملی و رفاه کشور و حمایت از حقوق آزادیهای دیگران.

^۲ - Monica Pinto, "National and International Courts - Deference or Disdain" Loyola of Los Angeles International & Comparative Law Review, Vol. ۳۰, ۲۰۰۸, p. ۲۴۷.

^۳ - Stephan Schill, Robyn Brieser, "Self-Judging Clauses in International Dispute Settlement, Max Planck Yearbook of United Nations Law, Vol. ۱۳, ۲۰۰۹, p. ۷۸.